

مزاخمت‌های بانک مرکزی برای مردم!

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2377 ■ Tue.Feb.13, 2018 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۷۸ روز گذشت

سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۶ ■ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۲۹ ■ ۱۳ فوریه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۳۷۷ ■ صفحه ۱۶ ■ ۱۰۰۰ تومان

تیتراهای امروز

دادستان تهران و نمایندگان مجلس اطلاعات جدیدی درباره جاسوسی و نحوه مرگ کاووس سیدامامی مطرح کردند

نمایندگان فیلم خودکشی جاسوس را دیدند

حسام‌الدین آشنا چه ارتباطی با جاسوس داشت؟

صفحه ۲

احتمال سقوط یک فروند اف ۱۵ اسرائیلی علاوه بر اف ۱۶ وجود دارد

سرنگونی جنگنده اسرائیلی عبرت تجاوزگران

صفحه ۱۵

هشدار نسبت به تبعات غیر قابل جبران بی توجهی به ویروس مخرب مرغداری‌ها

دولت دوباره آنفلوآنزای پرندگان را فراموش کرد

صفحه ۱۶

نماینده زنجان در مجلس:

امضاهای طرح سؤال از رئیس‌جمهور بالاتر از حد لازم است

صفحه ۲

واکنش‌ها به حضور پرشور و حماسه ساز مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن ماه ادامه دارد

نوبت مسوولان است



صفحه ۲

اهمیت راهبردی یک سقوط

■ ماشاءالله ذراتی ■

جنگنده‌های اسرائیل هنگام پرواز در آسمان اسرائیل مورد شناسایی رادارهای سوریه قرار گرفتند. این اتفاق نشان می‌داد اقدامات عملیاتی از این نوع زیر نظر رادارها قرار دارد و نیروی هوایی اسرائیل برای از سرگیری فعالیت‌ها باید به فکر شیوه تازه و ابتکاری باشد چون این اتفاق یک اتفاق پیچیده بود و چالشی برای اسرائیل به شمار می‌رفت.

تازنمای روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» نیز با «استثنایی خواندن» حادثه اسفندماه ۹۵، آن را خطرناک‌ترین برخورد بین دمشق و تل‌آویو از ابتدای بحران سوریه دانست.

حالت تکامل و پیشرفت توان نظامی سوریه و سقوط جنگنده این رژیم و شکستن معادله موجود به این نحو می‌تواند نیروی هوایی و ارتش اسرائیل را از منطقه عقب براند و توانایی اسرائیل در حمله به فعالیت‌های تسلیحاتی محور مقاومت در پشت مرزها را زیر سوال ببرد. اسرائیل پیش از این اعلام کرده نسبت به ارسال سلاح راهبردی به حزب‌الله و به طور کلی در قبال جابه‌جایی سلاح بین مرزها در خاورمیانه سکوت نخواهد کرد اما از امروز به بعد ششکی نمانده که چالش پیش روی اسرائیل بزرگ‌تر از گذشته شده است.

سقوط جنگنده رژیم صهیونیستی بار دیگر هیمنه پوشالی این رژیم را به دنیا و بویژه جهان اسلام ثابت کرد و نشان داد در منطقه‌ای که مناسبات قدرت و زور حاکم است سخن گفتن از منطقه قوی و امنیت شبکه‌ای در این شرایط یک آدرس غلط و اشتباه است. در شرایطی که دشمن و بویژه ایالات متحده آمریکا عزم بر تضعیف و نابودی محور مقاومت در منطقه دارد، مسیر درست و صحیح عبارت از خودبآوری و مقاومت با تکیه بر سنت‌های الهی و ایمان به نصرت و امداد پروردگار است. در پایان همانگونه که این جمله در شبکه‌های اجتماعی و از سوی تحلیلگران به کرات مورد اشاره قرار گرفت، مهم‌ترین پیام اسقاط جنگنده متجاوز اسرائیل در سوریه این بود که از این پس بعد از لبنان و غزه، در سوریه هم «دوران بزن در رو تمام شده» است.

از سقوط یک جنگنده اسرائیلی بر اثر «آتش دشمن» از اوایل دهه ۸۰ میلادی تاکنون است. این روزنامه آمریکایی در تحلیل اثرات آتشی که از لاشه سوزان این جنگنده به خرمن ابهت صهیونیست‌ها افتاده، نوشته: «سقوط این جت در عرصه تحولات منطقه لقب گیرد. خبر هدف نشانه تغییری عمده در مسیری بود که اسرائیل سالیان می‌رفت و با داشتن معافیت نسبی از مجازات، به اهداف خود در سوریه حمله می‌کرد.»

واکنش در آستانه جشن ورود انقلاب اسلامی ایران به ۴۰ سالگی شاهد چنین تحول و پیشرفت چشمگیری در رشد، بالندگی و اعتماد به نفس در ملت‌ها و کشورهای مظلوم منطقه هستیم. سقوط این جنگنده موجب ارتقای روحیه محور مقاومت و ملت‌های ضدصهیونیستی شد که سال‌هاست مستقیم یا غیرمستقیم تحت ظلم و ستم این رژیم و دخالت‌های آن هستند. ملت‌ها و گروه‌های مبارز در سراسر جغرافیای اسلام از این رویداد خوشحال شده و روحیه مضاعفی گرفتند. اما با پیگیری و رصد تحولات سوریه متوجه می‌شویم این توانمندی یک‌شبه به‌دست نیامده و حداقل حاصل یک برنامه‌ریزی و تلاش یک‌ساله است.

جمعه ۲۷ اسفند ۹۵ بود که جنگنده‌های رژیم صهیونیستی مناطقی را در سوریه هدف قرار دادند. اگر چه این نخستین بار نبود که صهیونیست‌ها دست به تجاوز نظامی علیه سوریه می‌زدند اما آنچه باعث شد این رخداد بیشتر مورد توجه قرار گیرد این بود که در اقدامی کم‌سابقه ارتش سوریه به این تجاوز پاسخ داد؛ موضوعی که آن زمان نوید تحولی جدی در معادلات امنیتی منطقه را می‌داد.

«تعام عمیر»، تحلیلگر مسائل نظامی رژیم صهیونیستی، واکنش آن موقع سامانه دفاع هوایی ارتش سوریه در شلیک به سمت جنگنده‌های این رژیم را «حادثه‌ای دراماتیک» توصیف کرد و گفت: برتری هوایی ما زیر سوال رفته و معادلات امنیتی دستخوش تغییر قرار گرفته است. عمیر افزود: اتفاق استثنایی در این قضیه آن است که

بدون شک صبحگاه شنبه ۲۱ بهمن ماه ۹۶ به عنوان روزی فراموش‌نشده در تاریخ مقاومت و سلسله‌شکست‌های رژیم صهیونیستی ثبت خواهد شد. روزی که چه بسا به عنوان آغاز انقلابی دیگر بزرگند و بگویند اگر عذرخواهی نشود ایشان گوشه سامسونگ خود را دور می‌اندازند، در نوع خود حرف کمی نیست؛ این برای دستگاه دیپلماسی ایران که لبخندش برای دشمنان و فریادش برای دوستان است، نه‌تنها یک حرکت بسیار تند، بلکه اصولی و ساختار شکنی تلقی می‌شود برای وزیر که پیش پای پادشاه کویت زانو می‌زند، این حرکات الحق و الانصاف در حکم پاره کردن زنجیر است. دستگاه دیپلماسی دولت کنونی از سوی دولتمردان و هواداران دولت اعتدال گستر، به صفت قهرمان موصوف است و دلیل این وصف هم تنها انعقاد برجام و به سرانجام رساندن تعطیلی برنامه هسته‌ای کشور است اما همین برجام و ضرورت‌های بی‌جایی که با اهمال مذاکره‌کنندگان بر آن مترتب شده است، به شکلی بسیار جدی، دست و پای کشور را برای اعمال حاکمیت بر سرنوشته خود و دفاع موثر از منافع ملی و منافع اتباع ایران در نقاط مختلف جهان بسته است.

در حالی که مقامات اسرائیلی اعتراف کردند اصابت موشک سامانه پدافندی ارتش سوریه، عامل سقوط جنگنده این رژیم بوده است، موفقیت نیروهای سوری در هدف قرار دادن این جنگنده را نباید صرفاً در چارچوب معادلات نظامی تحلیل و بررسی کرد. این رویداد مهم از ابعاد مختلف روانی، نبرد نامتوازن و نامتقارن و همچنین تحولات ژئوپلیتیک در منطقه قابل تامل و توجه است. این نخستین بار از سال ۱۹۸۲ است که اسرائیل تایید می‌کند یک جنگنده‌اش هدف قرار گرفته است. رسانه‌های رژیم صهیونیستی این حادثه را «ضربه‌ای به اعتبار و ابهت» نیروی هوایی اسرائیل توصیف کرده‌اند.

به اعتراف نیویورک‌تایمز این حادثه نخستین مورد شش‌صاع از درگیری اسرائیل با نیروهای مستقر در بلندی‌های جولان و نخستین مورد

برجام! پس تو به چه دردی می‌خوری؟

■ امیر استکی ■

لاپد شنیده‌اید که شرکت ساسونگ یا بنا به قولی دیگر، کمیته بین‌المللی المپیک، ورزشکاران ایرانی را به بهانه تحریم‌های سازمان ملل از دریافت گوشی‌های هوشمند مستثنا کرده است اما اگر خاطمان باشد ۲ سالی می‌شود که برجام منعقد شده است و بنا بر قول و قرار متولیان تدبیر و امید، تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران باید همگی لغو شده باشد. قبل‌تر از تحریم‌های هسته‌ای هم البته تحریم‌هایی وجود داشته است ولی در آن روزها هیچ وقت شاهد این نوبدی که از این قبیل اتفاقات ورزشی بین‌المللی! به عبارت دیگر قرار بود بعد از برجام محدودیت‌ها کمتر شود ولی گویا نه‌تنها کم نشده، بلکه در ظاهری تحقیرکننده حتی، به قوت خود باقی است. بعد از برجام همه انتظارات به سمت گشایش‌های مالی و لجستیکی معطوف شده بود و همه منتقدان از تأثیر کم برجام در این زمینه‌ها سخن می‌گفتند و مشکلات برجام برای کشور را در این وادی جست‌وجو می‌کردند اما حالا باید متوجه باشند که نه‌تنها داشتن این انتظار که برجام در سطح کلان گشایشی برای ملت ایجاد کند از اساس انتظار بی‌جایی است، بلکه باید اکنون سطح تحلیل را به مسائل پیش‌یافتاده‌ای مانند همین مورد اخیر محدود و از برجام در این سطح انتقاد کنند. تا حالا بر اساس سر و صدای زیادی که اعتدال گستران در اطراف برجام ایجاد کرده بودند، همه تا حدود زیادی درباره منافع چشمداشتی آن در اشتباه بودیم و حالا زمان آن فرارسیده است از برجام بپرسیم: «پس تو دقیقاً به چه دردی می‌خوری؟!» آن همه به بهی که می‌شنیدیم، پس دنبانش کو؟ لاقفل نباید در همین حد که ورزشکاران کشورمان در کره جنوبی تحقیر نشوند به کار ما بیایی؟ حالا تسهیل شرایط ورود سرمایه خارجی به کشور و ارتباط سیستم بانکی ما با بانک‌های بین‌المللی پیشکش!

راستی! خودمان هم الان دیگر کاملاً شیرفهم شده‌ایم که چنین انتظاراتی از جنابعالی بی‌پایه است و به غیر از پاره‌ای سیاستمداران کشورمان که هنوز منتظر سیب و گلابی‌های باغ جنابعالی مانده‌اند، بقیه دیگر همه، ماست‌ها را کیسه کرده‌ایم و دل‌مان به این خوش است که با وجود شما، سایه جنگ از سرمان زوده شده است! در حقیقت منافع برجام برای ایران به نحوی است که در عین نعمت بودن، در نگاهی کلان نوعی نعمت نیز هست! بر همین اساس است

ادامه در صفحه ۵

یادداشت میهمان

رشیدپور بهانه بود ...

■ مهدی آذریندار ■

نه! رشیدپور بهانه بود... فریاد حاتمی‌کیا، انتقام ما بود از همه شب‌هایی که در جشن‌ها و محافل این سینمای محفلی غریب ماندمیم و بعضی کردیم. آن شب، به گواه هم‌لای که نوشته، هم فحاشی می‌کردند و هم هیاهو و داد و بیداد، و سید تنها مانده بود میان جماعتی که یکی‌شان گریه می‌کرد و دیگری فریاد می‌زد. ما نوبدی البته آن شب ولی طعم غریش را از لای سیاه و سفید کاغذ چشیدیم و بعضی کردیم.

حالا بعد از بیست و اندی سال، فریاد حاتمی‌کیا انتقام ما بود از آن شب غریشی در اسفند ۷۰. او فریاد می‌زد و فریادش، فقط از حنجره خودش نبود که طنین‌انداز شده بود. فریاد اوینی هم بود بر سر شب‌روشنفکران وطنی که می‌خواستند هنر نواب انقلاب را به بهانه حکومتی و ارگانی بودن، تحقیر کنند و هنر بی‌مخاطب خود را قیمتی جلوه دهند. و باز انتقام‌مان را گرفتیم از آن شب لعنتی در جشن خانه سینما. آن چهارشنبه‌شب تابستانی در ۲۲ مرداد ۹۳؛ وقتی «هریلا زارعی» روی سن هشتمین جشن انجمن منتقدان دعوت شد تا جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن را از دست «مازیار میری» بابت شاهکار «شیار ۴۳» بگیرد اما «میری» قبل از اهدای جایزه در کنایه‌ای آشکار گفت: «می‌دانستم جایزه به چه کسی می‌رسد. این وظیفه را به من محول کردند چون ما قرار است با هم گفت‌وگو و همدیگر را تحمل کنیم».

و ما بعضی‌مان گرفت که اینها دیگر چه جماعتی‌اند؟! یعنی بابت اینکه طرف نقش «مادر شهید» را بازی کرده، باید هنگام جایزه گرفتن هم متلک بخورد؟ این دیگر چه سینمایی است؟ اینها چه منتقدانی هستند که یک نفر را برگزیده می‌کنند و بعد روی سن، بیزعم خودشان تصمیم می‌گیرند جایزه خودشان را لجن مال کنند؟ یعنی اگر زارعی نقش زنی را بازی کرده بود که شوهرش به او خیانت کرده یا می‌خواهد فرزندش را سقط کند، جایزه حق او است و ...

ادامه در صفحه ۵

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۳۳۱

www.vatanemrooz.ir